

جنبش داده‌های منبع-باز<sup>۴</sup> شبیه به سایر جنبش‌های منبع-باز است، مانند نرم‌افزار و سخت‌افزار منبع-باز، محتوای باز<sup>۵</sup>، دانش باز، دولت باز، آموزش باز، و دستیابی باز.

## مانیفست کمونیست شهر هوشمند اشرافی (۲)

### ■ ابزارهای اینترنت آدم‌ها و همکاری باز<sup>۱</sup>

#### «کارگران جهان خودتان ابزار تولید بسازید»

عامل رقابت در کاپیتالیسم در طول تاریخ یکی از عوامل اصلی پیشرفت بوده است. رقابت یک بازی است که هدفش بهترین قیمت برای کیفیت‌های متفاوت کالاها و خدمات مختلف است. رقابت به گونه‌ای در نظام کاپیتالیستی مدیریت می‌شود که عرضه و تقاضای کالاها و خدمات کارآمد باشد. یک قانون مهم برای رقابت قانون ضد انحصار است.

کشورهای بلوک شرق در دوره جنگ سرد که این عامل مهم پیشرفت در دنیای کاپیتالیسم را نادیده گرفته بودند به لحاظ اقتصادی از بلوک غرب بسیار عقب افتادند. اساساً آیا بدون عامل رقابت امکان پیشرفت اقتصادی وجود دارد؟

همکاری باز به همکاری جمعی و داوطلبانه‌ای اشاره دارد که با آن یک محصول (یا سرویس) خاص که ارزش اقتصادی داشته باشد ساخته می‌شود، و استفاده از آن را برای همگان، حتی کسانی که در مراحل ساخت مشارکت نکرده‌اند به رایگان فراهم می‌سازد. در همکاری باز رقابت عامل تعیین‌کننده کارآمدی نیست، خواست و اراده داوطلبانه جمعی تعیین‌کننده است. در مراحل پیشرفت‌دادن به نرم‌افزارهای منبع باز<sup>۲</sup> به خوبی از همکاری باز برنامه‌سازان بهره گرفته می‌شود. سیستم عامل لینوکس یک نمونه موفق است، که توانست انحصار سیستم عامل ویندوز را به چالش بطلبد. با آن که سیستم عامل اندروید را نمی‌توان یک سیستم عامل منبع باز در نظر گرفت اما با ریشه منبع باز لینوکس ساخته شده است که توانست ویندوز را به عقب براند و عنوان پر استفاده‌ترین سیستم عامل جهان را به خود اختصاص بدهد. مرورگرهای منبع باز کروم و فایرفاکس نیز توانستند انحصار طولانی‌مدت اینترنت اکسپلورر را در هم بشکنند. ویکی‌پدیا، سایت سرمایه‌گذاری جمعی Kickstarter، و TEDx سه نمونه موفق دیگر همکاری باز هستند.

همکاری باز به ساخت نرم‌افزار محدود نمی‌شود، چاپ‌گرهای سه‌بعدی این امکان را نیز فراهم خواهند کرد که انواع سخت‌افزار با همکاری باز ساخته شود. ارائه داده‌های باز<sup>۳</sup> یعنی داده‌هایی که به رایگان در اختیار همه است و حق تألیف ندارد نیز یکی دیگر از زیرمجموعه‌های همکاری باز است.

#### «جنبش نرم‌افزار باز» به جای انقلاب مارکسیستی

ریچارد استالمن (Richard Matthew Stallman) یک برنامه‌ساز و کنش‌گر جنبش نرم‌افزار باز، پروژه‌ای به نام GNU Project را در سپتامبر سال ۱۹۸۳ برای ساخت یک سیستم عامل شبه-یونیکس شامل نرم‌افزارهای کاربردی کاملاً رایگان بنیاد نهاد. او سال‌ها پیشتر روی یک مفسر Lisp کار کرده بود. شرکت Symbolics از او درخواست استفاده از آن مفسر را کرد و استالمن سخاوتمندانه با ارائه یک نگارش از کار خود با این درخواست موافقت کرد. اما زمانی که استالمن از شرکت Symbolics درخواست دستیابی مفسر تکمیل‌شده را کرد شرکت Symbolics این درخواست او را قبول نکرد.

استالمن این کار شرکت Symbolics را اختکار نرم‌افزار نامید، و به جای این که راه کارل مارکس یا ولادیمیر لنین را در پیش بگیرد و به جنگ یا انقلاب مارکسیستی-لنینیستی روی ببرد راه جدیدی را انتخاب کرد و جنبش جدیدی را بنا نهاد: جنبش نرم‌افزار باز.

هدف ریچارد استالمن بنیان‌گذار GNU project از پروژه خودش رایگان‌سازی نرم‌افزار است. سیستم عامل لینوکس با بهره‌گیری از امکانات این پروژه به وجود آمده است. چنین اقداماتی فراوانی و پسا-کمبود را در حوزه نرم‌افزار پدید می‌آورد.

او بعدها در اکتبر سال ۱۹۸۵ بنیاد نرم‌افزار آزاد (Free Software Foundation) را تأسیس کرد و مانیفست GNU (GNU Manifesto) را منتشر کرد که انگیزه او برای ساخت یک سیستم عامل رایگان به نام GNU را شرح می‌دهد. او در گسترش مفهوم کپی‌لفت (copyleft) نیز همت گماشت که برخلاف کپی‌رایت امکان استفاده، ویرایش، و توزیع رایگان نرم‌افزار را فراهم می‌کند. □

منابع:

<https://en.wikipedia.org/wiki/Copyleft>

[https://en.wikipedia.org/wiki/Richard\\_Stallman](https://en.wikipedia.org/wiki/Richard_Stallman)

<sup>4</sup> open-source data

<sup>5</sup> open content

<sup>1</sup> open collaboration

<sup>2</sup> open-source

<sup>3</sup> open data

## جمع‌سپاری چیست؟

در ویکی‌پدیا در بخش تعریف جمع‌سپاری چنین آمده است: جمع‌سپاری یا crowdsourcing را دو نویسنده نشریه Wired به نام‌های Jeff Howe و Mark Robinson سال ۲۰۰۵ پس از مباحثاتی درباره روش‌های برون‌سپاری (outsourcing) کارها به افراد با استفاده از اینترنت وضع کردند. Robinson و Howe به این نتیجه رسیدند که جمع‌سپاری شبیه به «برون‌سپاری به جمع یا به crowd» است، و اصطلاح crowdsourcing را از آن نتیجه گرفتند.

در مجموع، جمع‌سپاری به عمل به‌دست‌آوردن سرویس، نظریه، یا محتوا از یک جامعه بزرگ برخط (به جای کارمندان یا عرضه‌کنندگان مرسوم) اشاره دارد. این جامعه بزرگ از تعداد زیادی داوطلب تشکیل می‌گردد، که هر کدام بخش کوچکی از یک کار بزرگ را انجام می‌دهند. یک عیب جمع‌سپاری آن است که اعضای آن چون دستمزد نمی‌گیرند، مسئول نیستند. معمولاً هیچ قراردادی با اعضای دخیل در جمع‌سپاری بسته نمی‌شود. اما نمونه‌های موفق فراوانی داشته است.

یک نمونه موفق جمع‌سپاری از اطلاعاتی است که مردم درباره اموری مانند ترافیک خودروها یا وضعیت هوا از طریق گوشی هوشمند به برنامه‌های کاربردی مانند ویز (Waze) ارسال می‌کنند. اما هنگامی که ماشین‌ها و حس‌گرها برخط شوند، اطلاعات جمع‌سپاری را مستقیماً از آنها می‌گیرد.

**اینترنت چیزها (Internet of Things)** شامل تعداد زیادی از ابزارهای گوناگون است که از طریق اینترنت می‌توانند ارتباط برقرار کنند و در جمع‌سپاری به گونه‌ای مؤثر مشارکت کنند. اطلاعات به‌دست‌آمده می‌تواند یک کلان‌داده‌ها را شکل دهد که با برنامه‌های تحلیل کلان‌داده‌ها می‌تواند بینش‌های جدیدی را فراهم کند. □

یکی دیگر از روش‌های همکاری باز جمع‌سپاری<sup>۶</sup> است. جمع‌سپاری به اجرای پروژه‌های مختلف توسط انبوهی از مردم داوطلب در اوقات فراغت گفته می‌شود. از جمع‌سپاری برای تأمین مالی پروژه‌های عام‌المنفعه نیز بهره گرفته می‌شود. حتی ناسا نیز برای حل پاره‌ای از مسائل علمی، مثلاً یافتن آثار حیات در سیاره‌های دور دست با پروژه Seti@home از جمع‌سپاری بهره می‌گیرد. در این پروژه، مردم بخشی از وقت کامپیوترشان را از طریق اینترنت برای تحلیل سیگنال‌های دریافتی تلسکوپ‌های ناسا در اختیار ناسا قرار می‌دهند.

## ویکی‌پدیا: موفقیتی که با کاپیتالیسم ممکن نبود

دانش‌نامه‌ای عظیم با حدود ۶ میلیون مقاله به زبان انگلیسی که توسط بنیاد غیرانتفاعی Wikimedia Foundation اداره می‌شود یک نمونه بسیار موفق از همکاری باز است که توانسته است به لحاظ حجم مطلب بسیار غنی‌تر از نمونه‌های تجاری سنتی مانند دانش‌نامه بریتانیکا باشد. نشریه نیچر در سال ۲۰۰۵ تعداد ۴۲ مقاله علمی بریتانیکا و ویکی‌پدیای انگلیسی را مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که به لحاظ دقت، ویکی‌پدیا به بریتانیکا می‌رسد. جالب‌تر آن که پایگاه وب ویکی‌پدیا در حال حاضر مطابق رتبه‌بندی پایگاه آکسا در رده پنجم در میان پایگاه‌های وب پربیننده جهان قرار دارد. یعنی همکاری باز می‌تواند محصولاتی با کیفیت بالا تولید کند که به لحاظ تعداد بیننده از تعداد بینندگان بسیاری از پایگاه‌های وب تجاری در رده بالاتری جای بگیرد. کاپیتالیسم توان تولید چنین محصولی را ندارد. این اقتصاد همکاری باز است که توانسته است به چنین موفقیتی دست پیدا کند. اقتصاد همکاری باز و اقتصاد منبع باز (open-source economics) می‌تواند یک علت فروپاشی کاپیتالیسم در آینده باشد، بی‌آن‌که به تضاد طبقاتی و انقلاب مارکسیستی نیاز باشد. □

تاریخ و تجربه انسان نشان داده است که بدیلی برای کاپیتالیسم وجود ندارد. کاپیتالیسم با پیشرفت فناوری و بالا رفتن هرچه بیشتر بهره‌وری قدرتمندتر خواهد شد، اما در یک نقطه که تعداد بیکاران به گونه‌ای گسترده افزایش بیاید زوال کاپیتالیسم آغاز می‌شود و تا مالکیت عمومی ابزارهای تولید ادامه خواهد یافت. جلوی این روند نمی‌توانیم بایستیم، اما می‌توانیم شتاب آن را با همکاری باز بیشتر کنیم. □

<sup>۶</sup> crowdsourcing